

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

فرستنده: جهانگیر محبی

نگارش: مینگی- لی- ترجمه: نوید شادی

سرچشمه: ماننلی ریویو

۱۰/۱۲/۰۳

مناسبت کنفرانس جهانی آب و هوا در هنگ کنگ

تغییرات آب و هوا، محدودیت های توسعه و ضرورت سوسیالیسم

۲

سیاستهای تغییرات آب و هوا و ضرورت برای سوسیالیسم:

آیا نگارنده بدبینانه به مسأله نگاه می کند؟ ابتکار، نوآوری، سازگاری و انعطاف پذیری نظام سرمایه داری ناچیز شمرده شده است؟ سخن گویان اصلی حرکت زیست محیطی نظیر لستر براون (نویسنده طرح B و مدیر مؤسسه سیاست گذاری های زمین) و آموری لوپس (همراه با پال هاوکن و هانتز از مدافعان و دوستاران سرمایه داری طبیعی) تقلاء می کنند تا مارا متقاعد سازند که تکنولوژی های منطقی و معقول رهایی بخش بوجود خواهند آمد. قیمت پائل های خورشیدی پائین خواهد آمد، بهره انرژی ده برابر خواهد گشت، انتشار گازهای گلخانه ای و سایر آلودگیها به طور موثر کاهش خواهند یافت، در حالیکه تولید ناخالص داخلی به شکل انفجاری بالا می رود. از نظر آنها، ما بین تولید سرمایه داری به خاطر سود و انباشت، سرمایه از یک طرف و سیستم پایداری اکولوژیکی از طرف دیگر تضاد اساسی وجود ندارد. خط اصلی استدلال آنها چنین است:

تکنولوژی اغلب در دسترس می باشد و آنچه مورد نیاز است، خواست سیاسی توسط سیاستمداران می باشد. البته آنها در این خواست سیاسی موضوع را به چیزی نظیر دگرذیسی و تغییرات اساسی اجتماعی ارجاع نمی دهند، بلکه برای حل مسأله در مورد اصطلاحات قانونی و توافقات بین المللی در چارچوب نظام سرمایه داری صحبت می کنند. در بهترین حالت، آنها خواستار تغییرات محدود در الگوی مصرف هستند.

تعلقات طبقاتی خط اصلی حرکت زیست محیطی، اساساً مربوط به اقشار بالای خورده بورژوازی نظام سرمایه داری می باشد. آنها شامل استادان دانشگاه، مهندسين، تکنسین ها، تحلیل گران مالی و سایر پروفیسورها هستند. اگر

چه آنها نوعاً، به مقدار زیادی از تولید سرمایه داری بهره مند نمی شوند ولی در عملکرد مدیریتی و تکنیکی نظام سرمایه داری، رل و نقش مهمی بازی کرده و در مقایسه با طبقه کارگر از مزیت های مادی اساسی بر خوردارند . در زمانهای اوج گیری وضعیت انقلاب نظیر دهه ۱۹۶۰، برخی از آنها به سرعت رادیکال و به انواع مختلف "ماوراء چپ" تبدیل می شوند. در زمانهای افت وضعیت انقلابی برخی از آنها به هم پیمانان مهم طبقه حاکم در یورش به منافع طبقه زحمتکش تبدیل می شوند. در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اقشار بالای خورده بورژوازی، پایه های اجتماعی مهم در خیلی از کشورها برای نئو لیبرالیزم بودند و آنها نقش قاطع در بازگرداندن نظام سرمایه داری در روسیه، شرق اروپا و چین بازی کردند .

وقتی بحران اکولوژیکی جهانی ژرفتر می شود، خیلی از اقشار بالای خورده بورژوازی احساس و تشخیص می دهند که الگوی زندگی سرمایه داری موجود، دارای اشکال اساسی و جدی است و نمی تواند پایدار بماند. هنوز آنها قادر نیستند و یا نمی خواهند چیزی ماورای سیستم سرمایه داری که امتیاز نسبی مادی آنها به آن وابسته است، تصور کنند و هنوز حاضر به دست کشیدن از حمایت ضمنی خود از طبقه سرمایه دار نیستند. شرایط و تجربه آنها خیلی زیاد از طبقه کارگر جدا شده است. برای آنها خیلی مشکل است که درک کنند: فقط با سازماندهی و حرکت گسترده طبقه کارگر، امید دگر دیسی اجتماعی مورد نیاز برای پایداری اکولوژیکی می تواند عملی شود. در نتیجه زیست محیطی اقشار بالای خورده بورژوازی، باید باور یا امید وصول نشدنی خود به معجزه تکنولوژی را در یک دست و قدرت تشویق اخلاقی (که امیدوارند طبقه سرمایه دار متقاعد به رفتار منطقی و اخلاقی خواهد شد) را در دست دیگر خود نگهداری نمایند .

به هر حال، مستقل از تمایلات فردی و خلاف آرزوهای اقشار بالای خورده بورژوازی، قوانین حرکت سرمایه داری به عملکرد خود در سیستم سرمایه داری ادامه خواهد داد. دیر یا زود، زیست محیطی های با وجدان، باید مابین تعهد واقعی به پایداری اکولوژیکی و یا سر سپردگی به سیستم استثمار گرانه و ظالمانه سرمایه داری یکی را انتخاب کنند. به هر حال با ژرفش بحران اکولوژیکی جهانی و بحران عمومی نظام سرمایه داری، ممکن است به زودی، برای سیستم سرمایه داری مشکل باشد تا خود را با شرایط همزمان امتیاز دهی به اقشار بالای خورده بورژوازی و رسیدن به تولید سود و انباشت سرمایه بالا، همساز نماید .

همانطور که بحث شد، موانع تکنیکی زیادی در کربن زدائی از سیستم انرژی دنیا وجود دارد. براون ولویس در پتانسیل های تکنیکی مبالغه می کنند. حتی اگر، هم اکنون تکنولوژی بالای استفاده از انرژی های تجدید پذیر در دسترس باشند، کاربرد آنها در کشورهای سرمایه داری به خاطر موانع ذاتی توسعه تکنولوژی با تأخیر همراه خواهد شد. در یک سیستم اقتصادی مبتنی بر تحصیل سود، تکنولوژی جدید یک خاصیت تجریدی است. مردم یا کشورهایی که توان پرداخت هزینه های بالای آن را ندارند، از بکار گیری آن اجتناب خواهند نمود. حتی امروز صدها ملیون انسان در جهان دسترسی به برق ندارند، چقدر طول خواهد کشید تا به خودروهای خورشیدی دسترسی پیدا کنند؟

کربن زدائی از سیستم انرژی جهانی، مستلزم دگر دیسی اساسی در ساختار اقتصادی جهانی است. مفهوم اساسی آن این است که روی آوری به کربن زدائی، حتی تحت شرایط ایده ال، نمی تواند سریعتر از نرخ استهلاک دارائی های ثابت با طول عمر زیاد باشد. (سناریوهای مختلف کربن زدائی که فوق العاده خوشبینانه در جداول ۲ و ۱ نشان داده شده اند). از نکته نظر تکنیکی صرف، راه حل ساده تر و مستقیم بحران تغییرات آب و هوا این است که فوراً رشد اقتصادی متوقف و مصرف مواد جهانی به طریقی پائین آورده شود تا انتشار گازهای گلخانه ئی به یک سطح قابل قبولی برسد. عملی کردن این کار با تکنولوژی موجود امکان پذیر می باشد. اگر تمامی پتانسل ها تکنولوژی موجود

کربن زدائی جاری هر چه زودتر به تمامی نقاط جهان اعمال شود، جهان هنوز ظرفیت تولید مادی برای تأمین نیازهای اساسی جمعیت دنیا با يك اقتصاد كوچك را دارا می باشد. (سناریوهای ۱ تا ۳ جدول (۲) مربوط به استاندارد های مادی زندگی در دهه ۱۹۶۰ می باشند).

به هر حال، تحت شرایط سیستم سرمایه داری، مادامیکه سرمایه دار تولید و ارزش افزوده آن را تصاحب می کند، سرمایه دار کثش به استفاده از بخش اعظم ارزش افزوده جهت انباشت سرمایه دارد. برای عدم انباشت سرمایه، هیچ راهی بجز تحت کنترل در آوردن اجتماعی ارزش افزوده وجود ندارد. بعلاوه، با توزیع نابرابر شدید در آمد و ثروت تحت نظام سرمایه داری، چگونه اقتصاد سرمایه داری جهانی می تواند به اندازه تأمین نیاز های اساسی مردم، كوچك سازی برنامه ریزی شده اقتصادی را مدیریت نماید. رشد اقتصادی سرمایه داری برای آلام تضاد اجتماعی ذاتی آن ضرورت دارد.

پروتکل کیوتو اعلام می دارد که کشورهای صنعتی، انتشار دی اکسید کربن خود را از سال ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۲ تا ۵٪ کاهش دهند. شکل (۱) انتشار گاز دی اکسید کربن، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ در اقتصاد های بزرگ جهان را نشان می دهد [۱۴]. ایالات متحده از امضاء پروتکل خود داری کرد. درصد انتشار دی اکسید کربن ایالات متحده ۲۲٪ از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ رشد پیدا نمود. از زمان امضاء پروتکل، انتشار ژاپن ۱۶٪، انتشار اروپا از اواسط دهه ۱۹۹۰ شروع به افزایش نمود. انتشار انگلستان بخاطر جای گزینی سوخت زغال با گاز دریای شمال در يك روند ثابت باقی مانده است.

روسیه تنها کشور بزرگ اقتصادی است که انتشار آن از سال ۱۹۹۰ بطور اساسی کاهش پیدا کرده است. در طی يك دوره که هم تولید اقتصادی و هم جمعیت آن سیر نزولی داشته و نرخ کاهش ۲/۷ درصدی را از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ تجربه کرده است. اگر اقتصاد دنیا تجربه روسیه را سه بار یعنی چنان نزول اقتصادی وبه تناسب آن کاهش انتشار آنرا از سال ۱۹۹۰ تجربه کند در آنصورت تا سال ۲۰۵۰ انتشار جهان تا دو سوم کاهش می یابد که به دنیا اجازه می دهد تمرکز دی اکسید کربن معادل خود را در مقدار ۴۹۰ PPM متعادل کند، همانطوری که بحث شد مقدار بالا هنوز نزدیک به آن چیزی است که دنیا به آن نیاز دارد.

شکل (۱): انتشار دی اکسید کربن، کشورهای منتخب (میلیون تن)

منبع : بانگ جهانی، شاخص های توسعه اقتصادی

از سال ۱۹۹۰، انتشار چین و هندوستان بیش از دو برابر شده است و چین به عنوان بزرگترین انتشار دهنده گازهای گلخانه ای، از آمریکا سبقت می گیرد. بااین روند، انتشار چین در ده سال آینده دوبرابر و انتشار هندوستان در کمتر از ۱۵ سال دو برابر خواهد شد. اروپا متعهد شده است تا سال ۲۰۲۰ انتشار خود را ۲۰٪ کاهش دهد. تمامی این کاهش ها، با يك سال رشد انتشار چین معادل است. با توسعه سرمایه داری عظیم، چین اکنون در هر هفته دو نیروگاه با سوخت زغالی راه اندازی می کند، مفهوم آن این است که در هر چهار سال چین معادل کلیه نیروگاههای سوخت زغالی آمریکا، نیروگاه زغالی خواهد داشت. با این روند انباشت دیوانه وار سرمایه، برای پایداری آب و هوایی، چه امیدی می توان داشت؟ چه نوع منطق تکنولوژیکی می تواند این سرمایه داری را پایدار کند؟

باید اشاره کرد که کارگران و دهقانان چینی از این روند سود آوری سرمایه داری، منتفع نمی شوند. شرکتهای فرا ملیتی (که چین را به عنوان بازار کار استفاده می کنند) و نخبگان سرمایه داری چین از این روند استفاده سرشاری می برند و به مقدار کمتری، اقشار بالای خورده بورژوازی در کشور های پیشرفته سرمایه داری نیز از خدمات و کالاهای ارزان قیمت چینی، هندی و سایر کشور های پیرامونی بهره مند می گردند.

نیازهای تکنیکی برای پایداری آب و هوا واضح و روشن هستند. ساختار انرژی و همچنین اقتصاد جهانی، نیاز به تغییر بر مبنای انرژیهای تجدید پذیر دارد. سیستم کشاورزی باید از اصول پایدار عدم وابستگی ماشین آلات کشاورزی به سوختهای فسیلی پیروی کنند. کل سیستم حمل و نقل باید تحت قوانین محکم به سیستم برقی با مصرف انرژی تجدید پذیر، تجدید ساختار دهند. مقیاس اقتصاد جهانی برای کاهش عملی انتشار گازها بایستی کوچک سازی شود. تمامی این تحولات با مد نظر قرار دادن نیازهای اساسی جمعیت جهان بایستی صورت پذیرند.

مبرهن است که نظام سرمایه داری نمی تواند این کارها را انجام دهد. اگر ما نمی خواهیم شرایط اکولوژیکی را که بقاء تمدن به آن وابسته است از بین ببریم، در آنصورت چه چیز دیگری بجز سوسیالیسم با مالکیت عمومی همراه با طرحهای تولید دمکراتیک، می تواند مارا به این اهداف برساند.

آنچه که "سوسیالیسم بازار" نامیده می شود نمیتواند راه حل مد نظر باشد. هم تئوری هم تجربه تاریخی نشان داده است که "سوسیالیسم بازار" منجر به سرمایه داری خواهد شد. آنهاییکه با برنامه های سوسیالیستی مخالفند ممکن است ادعا نمایند که تجربه سوسیالیسم تاریخی نشان می دهد که برنامه های سوسیالیستی غیر کار آمد خواهد بود.

در مقابل این سؤال که آیا سوسیالیسم آینده از لحاظ کار آمدی اقتصادی و دموکراسی از سوسیالیسم تاریخی بهتر عمل خواهد کرد؟ با توجه به بحران اکولوژیکی فوق العاده حاد، مسأله کار آمدی به موضوع بحث مربوط نمی شود. سؤال اساسی این است:

آیا سوسیالیسم قادر است که غذا، تحصیلات و بهداشت را برای تمامی افراد بشر تأمین نماید؟ می دانیم که سوسیالیسم تاریخی در انجام این کارها موفق بوده و کوبای سوسیالیستی هنوز هم با منابع مادی محدود این کار را انجام می دهد.

نظام سرمایه داری، همیشه در تأمین غذا، تحصیلات و مراقبتهای بهداشتی حداقل میلیون ها از مردم نا موفق بوده است. اگر به بحران اکولوژیکی جهانی چاره اندیشی نشود در آنصورت نظام سرمایه داری تمامی بشریت را با شکست مواجه خواهد ساخت. آیا انتخاب راه به اندازه کافی روشن نیست؟

Notes

1. Intergovernmental Panel on Climate Change, "Summary for Policymakers of the Synthesis Report of the IPCC Fourth Assessment Report," November 2007, <http://www.ipcc.ch>.
2. David Spratt, "The Big Melt: Lessons from the Arctic Summer of 2007," October 2007, <http://www.carbonequity.info/docs/arctic.html>.
3. David Spratt and Philip Sutton, Climate Code Red (Friends of the Earth, 2008), <http://www.climatecodred.net>.
4. David Spratt and Philip Sutton, Climate Code Red; Jonathan Leake, "Fiddling with Figures while the Earth Burns," Times Online, May 6 2007, <http://www.ecolo.org/lovelock>; James Lovelock, The Revenge of Gaia (New York: Basic Books, 2006), 15–38.
5. <F